

عوام‌گرایی در عرصه سیاست‌گذاری کیفی زیست‌محیطی

امین جعفری^۱

اصغر احمدی^۲

چکیده

امروزه در پس گفتمان‌های متفاوتی مثل توسعه و پیشرفت، آسیب‌های غیر قابل جبرانی از سوی بشر به محیط زیست پیرامون ما وارد می‌شود. بدین‌سان قانون‌گذاران کشورهای مختلف در حوزه تقنین، به امر سیاست‌گذاری برای مبارزه و پیشگیری از این آسیب‌ها می‌پردازند.

متولیان امر سیاست‌گذاری جنایی در همه امور و به خصوص در حوزه محیط زیست ناگزیرند که از جهات مختلف، سیاست‌هایی سنجیده، منطقی و کارآمد اتخاذ کنند تا محیط زیست برای حال و آینده ما رو به زوال نرود، اما گاه متولیان نام‌برده بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های پیش‌گفته، در عرصه سیاست‌گذاری به سمت سیاست‌های عوام‌گرا یا پوپولیستی سوق پیدا می‌کنند.

مؤلفه‌های سیاست عوام‌گرا را می‌توان در مقطعی بودن، احساسی بودن، غیر کارشناسانه بودن، ناکارآمد بودن و تورم جرم‌انگاری‌ها نظاره‌گر بود. سیاست کیفی عوام‌گرا به هیچ‌وجه به دنبال کشف علل اصلی ارتکاب جرائم نیست و مترصد آن است که با کنارزدن مدل سیاست جنایی نخبه‌گرا با اتخاذ پاسخ‌های قاطعانه و سریع رضایت افکار عمومی را جلب کند.

۱. دکتری حقوق کیفری کسب و کار از دانشگاه پاریس و مدرس دانشگاه، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: amin.jaffari@gmail.com

۲. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

بدین‌سان هدف مقاله مذکور آن است که نمودها و جلوه‌های سیاست کیفری عوام‌گرا در عرصه سیاست‌گذاری کیفری زیست‌محیطی را در دو عرصه اروپا و کشور ایران بررسی نماید تا نشان دهد این‌گونه سیاست‌ها همیشه اهداف اولیه که بر مبنای آن پدید آمده‌اند را دنبال نکرده‌اند.

واژگان کلیدی

سیاست کیفری، سیاست جنایی نخبه‌گرا، سیاست کیفری عوام‌گرا، سیاست‌گذاری جنایی زیست‌محیطی

مقدمه

هرچند تمامی اشخاص قادر به ارتکاب جرائم زیست‌محیطی‌اند، اما واقعیت آن است که امروزه در پس لابی‌های قدرت - ثروت، بزه‌های زیست‌محیطی مهم را بنگاه‌ها و شرکت‌های قانونی، سندیکاها، مجرمانه سازمان‌یافته و دولت‌ها مرتکب می‌شوند، (گرچی‌فرد، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۲۳) بی‌آنکه در قبال اقدامات تخریب‌گرانه خود مسئولیتی را بر عهده داشته باشند. آلودگی‌های صنعتی و نفتی، آلودگی هوا، انتشار آب آشامیدنی آلوده، زوال تنوع زیستی، تغییرات آب و هوایی، نقل و انتقال و فروش غیر قانونی زباله‌های سمی و مبادله غیر قانونی مواد هسته‌ای یا رادیواکتیو از جمله این بزه‌ها می‌باشند که توسط بزهکاران یقه سبز^۱ علیه محیط زیست صورت می‌گیرد.^۲ در واقع بزه‌های زیست‌محیطی^۳ از جمله بزه‌هایی می‌باشند که رابطه تنگاتنگی با جرائم دولتی دارد و از این جهت که دولت‌ها و کارگزاران آنها مرتکب این جرائم می‌شوند، غالب رفتارهای مخرب محیط زیست جرم‌انگاری نشده و در صورت جرم‌انگاری نیز، مقرراتی جهت پیگرد بزهکاران یقه سبز پیش‌بینی نشده است. بنابراین از منظرگاه علم جرم‌شناسی سبز^۴، رفتارهای مخرب محیط زیست، حتی اگر در قوانین کیفری نیز جرم‌انگاری نشده باشند، را نیز باید جرم دانست، زیرا این قدرت است که تعیین می‌کند جرم‌های قدرتمندان باید از پوشش جرم‌انگاری‌های دولتی (یعنی رفتارهایی که قانون‌گذار آنها را جرم می‌شناسد) بیرون مانده و برعکس زیان‌دیدگی‌های برخاسته از این «جرم‌های جرم‌انگاری نشده» باید کوچک و کم‌اهمیت انگاشته شوند. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴ ش، ص ۷۷)

بدین‌سان یکی از ابزارهایی که دولت‌ها با توسل بدان می‌توانند از مسئولیت کیفری در قبال جرائم زیست‌محیطی خود و کارگزارانشان بگریزند، گفتمان عوام‌گرایی یا پوپولیسم^۵ است. عوام‌گرایی فلسفه‌ای سیاسی است که سرچشمه

اقتدار را در توده مردم، خلاصه می‌داند و بر همین اساس، در مخالفت با وضع موجود که متکی بر حکومت نخبگان است موضع می‌گیرد. (وایت و همکاران، ۱۳۸۶ ش، ص ۲۸۹) بنابراین دولت‌ها با هدف جلب رضایت مردم، گاه تحت تأثیر فضای متشنج جامعه که در اثر رخداد یک واقعه، هراس اخلاقی^۶ در آن شکل گرفته است و گاه تحت تأثیر جنبه‌های احساسی و هیجانی، به سیاست‌گذاری‌های عوام‌گرایانه می‌پردازند. مراد از عوام‌گرایی کیفری رویکردی است که در آن سیاست‌گذاران و دیگر مقام‌های نظام عدالت کیفری تلاش می‌کنند جهت کسب مقبولیت، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را تدوین و اجرا کنند که مطابق و همسو با دیدگاه‌های عامه مردم است و دستاوردهای علمی در مورد میزان کارآمدی و اثربخشی برنامه‌ها و نظرات کارشناسان مورد اعتنا قرار نمی‌گیرد. (فرجیها و همکاران، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۱۷۵) از این رو سیاست‌های مذکور فقط در پی آنند که پاسخی قاطع به رخدادهای جنایی بدهند. بدین‌سان با مقطعی‌بودن این‌گونه سیاست‌ها، مقابله با بزهکاری، آن‌گونه که نیاز است، صورت نخواهد گرفت.

یکی از آثار عوام‌گرایی بر سیاست کیفری، تعدد اقدام‌های صورت‌گرفته از سوی متولیان نهاد عدالت کیفری است. با این توضیح که گاه قانون‌گذاران تحت سیطره ویژگی‌های بارز عوام‌گرایی قرار گرفته و ناگزیر می‌شوند که در قبال هر کدام از رخدادهای جنایی یا انحرافی که جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد یا میزان کیفرها را تشدید نمایند و یا به جرم‌انگاری متوسل شوند، بدون آنکه اقدام انجام‌شده بر اساس اصل تناسب بزه و کیفر یا بر اساس مبانی جرم‌انگاری باشد؛ فراتر از آن گاه متولیان دستگاه عدالت کیفری تحت تأثیر عوام به تعدد صدور آرا می‌پردازند، زیرا از یکسو دستگاه قضا متهم به عدم واکنش در برخورد با جرائم می‌شود و از

سوی دیگر معمولاً قضات به دلیل کمبودن میزان مجازات صادره‌شان، از ناحیه افکار عمومی مورد انتقاد قرار می‌گیرند.^۷ (پاک‌نهاد، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۰۵)

با توجه به آنکه محیط زیست از جمله میراث مشترک آدمیان و حق بر محیط زیست سالم از جمله حقوق بشر و حتی با رویکردی طبیعت محور حق اجزای دیگر محیط زیست از جمله حیوانات و کره زمین نیز محسوب می‌شود، بنابراین لازم است تا اقدامات بخردانه‌ای برای حفظ آن اتخاذ شود. از این رو عوام‌گرایی در عرصه سیاست‌گذاری محیط زیست آفتی است که حیات این موهبت الهی را با خطر جدی مواجه می‌سازد، زیرا عوام‌گرایی تاب آن را دارد که همه چیز را وارونه جلوه داده و به سویی بکشد که انتهای آن زوال و تباهی است.

ز. هجری، اصغر احمدی

بررسی سیاست‌گذاری‌های زیست‌محیطی در دو حوزه حقوق کیفری اروپایی و سیاست کیفری ایران، حضور عوام‌گرایی را در پاره‌ای از این سیاست‌گذاری‌ها آشکار می‌سازد، اما این عوام‌گرایی در هر دو حوزه پیش‌گفته یک ویژگی بارز دارد و آن حضورش در عرصه سیاست‌های فروتقنینی است. توضیح آنکه در اروپا ابتدا با تصویب آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های اداری عوام‌گرایی پا به عرصه سیاست‌گذاری زیست‌محیطی نهاد، اما رفته‌رفته تضمیناتی جهت جلوگیری از این نفوذ در مقررات تقنینی اتخاذ شد. در نظام حقوقی ایران نیز هرچند عوام‌گرایی زیست‌محیطی را در سطح تقنینی به دلایلی چند که مهم‌ترین آن به قانون‌گذاری زیست‌محیطی در قبل از انقلاب و نبود رسانه‌های جمعی و تأثیر آن‌ها بر سوق‌دهی افکار عمومی در آن دوره باز می‌گردد، شاهد نیستیم، اما این گفتمان در چندی از مقررات فروتقنینی زیست‌محیطی جلوه‌گر می‌نماید. از این نمونه می‌توان به دو اقدام مهم قانون‌گذار ایرانی در سطح تصویب آیین‌نامه‌هایی در خصوص پدیده‌های زیست‌محیطی مهمی

همچون هجوم ریزگردها به کشور و انقراض گونه‌های نادر جانوری همچون یوزپلنگ ایرانی اشاره کرد.

بدین‌سان با مبنای قرارداد گفت‌وگو عوام‌گرایی و بررسی تأثیر آن بر حوزه سیاست‌گذاری کیفری، در پی آن خواهیم بود که نفوذ عوام‌گرایی در عرصه سیاست‌گذاری کیفری زیست‌محیطی را در حقوق کیفری اروپایی و سیاست کیفری ایران بررسی کنیم. از این رو در قسمت «الف» به بیان سیاست کیفری عوام‌گرایانه و جرم‌انگاری‌ها و در قسمت «ب» به عوام‌گرایی و سیاست کیفری حامی محیط زیست پرداخته می‌شود.

الف - سیاست کیفری عوام‌گرایانه و جرم‌انگاری‌ها

در این بخش پس از بیان ماهیت و ویژگی‌های رویکردهای عوام‌گرایانه به تأثیر رویکردهای عوام‌گرا بر سیاست کیفری می‌پردازیم.

۱- عوام‌گرایی

اگرچه در ابتدا عوام‌گرایی یا پوپولیسم از لحاظ لغوی یک مکتب ادبی فرانسوی بود که زندگی «مردم عادی» را نشان می‌داد، لیکن مفهومی گردید که به تدریج اهمیت اجتماعی طبقه فرودست را علیه نخبگان دولتی و پس از آن علیه دموکراسی از طریق نمایندگی مردم را نشان می‌داد. پوپولیسم به مرور مفهومی شد که در آن مردم تصمیم‌گیر و تأثیرگذار بودند. (پورت، ۲۰۱۲، ص ۲)

عوام‌گرایی گرچه در صحنه سیاست نقش‌آفرینی بیشتری دارد، اما در عرصه حقوق و به خصوص قهرآمیزترین عرصه آن، یعنی حقوق کیفری نیز حضور دارد. در این میان، سیاست کیفری^۸ به عنوان نظام پاسخ‌دهی به نقض هنجارهای جنایی، بیشتر در معرض تأثیرپذیری از رویکردهای عوام‌گرایانه و کنارزدن گفت‌وگو نخبه‌گرا

می‌باشد. به دیگر سخن، سیاست جنایی^۹ در مرحله تدوین و تنظیم را می‌توان به دو دسته سیاست جنایی علمی یا نخبه‌گرا و سیاست جنایی پوپولیستی یا عوام‌گرا/ عمل‌گرا تقسیم کرد. سیاست جنایی مبتنی بر عقلانیت و سنجیدگی (علمی)، مسبوق به مطالعات، بررسی‌ها، برآوردها و تحقیقات کیفی و کمی است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۷۴۲) در این نوع از سیاست جنایی کارنامه آن پس از مدتی ارزیابی می‌شود و با توجه به نقاط قوت و ضعف مورد بازبینی و اصلاح قرار می‌گیرد. این رویکرد حاصل مطالعات حقوقی، جرم‌شناختی، جامعه‌شناختی، آماری و... است. در واقع در این نوع از سیاست جنایی ردپای علم و استدلال در جرم‌انگاری و کیفرگذاری قابل مشاهده است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۷۴۳)

در مقابل این نوع از سیاست جنایی، سیاست کیفری پوپولیستی یا عوام‌گرا قرار دارد. سیاست کیفری عوام‌گرا که در بستر وجود عواملی همچون رسانه‌ای‌شدن جرم^{۱۰}، افزایش ترس و ناامنی، ناامیدی نسبت به الگوهای اصلاح و درمان و تشدید رقابت‌های انتخاباتی^{۱۱} ظهور می‌یابد. (مقدسی و همکاران، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۱۴)

با کنارزدن گفتمان‌های نخبه‌گرا بر لزوم مداخلت افکار عمومی و عوام در کلیه مراحل سیاست جنایی و اجرای راهبردهای آن تأکید می‌کند. در واقع عوام‌گرایی فرایندی است که به موجب آن تأثیر گروه‌های طرفدار قانون و نظم و حقوق بزه‌دیدگان بیش از نخبگان و گروه‌های حقوق شهروندی بر سیاست‌های دولت است. (پرت، ۲۰۰۷ م، ص ۳۵) به عبارت ساده می‌توان گفت عوام‌گرایی کیفری، تأثیر عوام از آن حیث که نخبه علمی محسوب نمی‌شوند، بر سیاست‌گذاری کیفری است یا همان‌گونه که گفته شده، هر اقدام و بیانی است که درخواست مجازات‌کردن به نام بزه‌دیده و علیه اقدامات نهادینه کیفری باشد، (سلاس، ۲۰۰۵ م، ص ۲۰) اما مسأله اینجاست که این درخواست در برخی از موارد نامحدود و افراطی می‌شود.

به همین صورت است که گفته می‌شود که خطر عدم تناسب میان هدف «کنترل جرم» و «شخصی کردن مجازات» در قبال متهم وجود دارد. (سالاس، ۲۰۰۵ م، ص ۲۰) آنچه در عوام‌گرایی کیفری پررنگ می‌شود این نکته است که جامعه در قبال بزهکاری تنه‌است و باید به گونه‌ای، خود، از خویشتن حمایت کند. این ترس از بزهکاری درون جامعه‌ای از طرف فردی که دیگر در این جامعه «خود» شناخته نمی‌شود به عوام‌گرایی منجر می‌شود. در واقع جامعه احساس می‌کند که ویروسی وارد درونش شده است که باید به گونه‌ای خارج شود. اینجاست که خود را بزه‌دیده آن ویروس می‌پندارد و پدیده «خودبزه‌دیدگی»^{۱۲} بروز می‌کند.

سیاست کیفری پوپولیستی یا عوام‌گرا دارای ویژگی‌هایی است که از عمده آن‌ها می‌توان به مرجع‌دانستن مداخله افکار عمومی در امر سیاست‌گذاری اشاره نمود. در واقع طرفداران مداخله مردم در سیاست‌گذاری کیفری بر این باورند که چون کارشناسان و نخبگان عدالت کیفری بزه‌دیدگی را تجربه نکرده‌اند، از پیامدهای زیان‌بار جرم آگاهی ندارند و از این رو نمی‌توانند به طور کامل مشکلات و دغدغه‌های بزه‌دیدگان را درک کنند. در حالی که عموم مردم و به طور خاص بزه‌دیدگان که با آثار جرم دست و پنجه نرم می‌کنند، با درک بهتر و واقعی‌تر پیامدهای جرم، می‌توانند نقش فعال‌تری در تدوین سیاست‌های مؤثر مبارزه با جرم داشته باشند. از این رو عوام‌گرایی کیفری به شدت از حرکت‌های توده‌ای و روش‌های مستقیم مداخله مردم در سیاست‌گذاری کیفری مانند همه‌پرسی، تجمع، تظاهرات و راه‌اندازی کمپین حمایت می‌کند. (فرجیها و همکاران، ۱۳۹۲ ش، صص ۴۰-۱۳۹) سیاستمداران حامی عوام‌گرایی کیفری در کشورهای مختلف با استناد به این که مردم توان فهم مسائل و ارائه راهکارهای مناسب را دارند، خود را بی‌نیاز از تحلیل‌های کارشناسی دانسته، تنها از دسته‌ای از یافته‌های علمی حمایت می‌کنند

که با دیدگاه‌ها و نگرش مردم همسو باشد. (فرجیها و همکاران، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۳۸) این در حالی است که برنامه‌های اتخاذی متأثر از سیاست کیفری عوام‌گرا مقطعی بوده و به دنبال یافتن علل اصلی ارتکاب جرم نیستند. همچنین سیاست کیفری عوام‌گرا ماهیتی امنیت‌گرا و سخت‌گیرانه داشته (جانستون، ۱۳۹۰ ش، ص ۷۳) و با هدف جلب رضایت عموم به خصوص بزه‌دیدگان صورت می‌گیرد، لذا اغلب قانونگذاری‌های متأثر از این رویکرد به دنبال حوادث و رخدادهایی که وجدان جامعه را جریحه‌دار می‌کنند به سرعت شکل می‌گیرد. در این صورت سیاست کیفری عوام‌گرا به هیچ‌وجه به دنبال کارآمدی برنامه‌های اتخاذی نبوده و هدف عمده آن جلب رضایت‌مندی عموم جهت نشان‌دادن اقتدار دستگاه عدالت کیفری است.

۲- تأثیر عوام‌گرایی بر سیاست کیفری

سخت‌گیری همان‌گونه که گفته شد از خصوصیات سیاست کیفری عوام‌گراست و نه تنها در تشدید میزان و مدت کیفرها در آرای دادگاه‌ها، در جرم‌انگاری‌های جدید و اصلاح تشدید قواین موجود نیز منعکس شده، افزایش اختیارات ضابطان، کوتاه و سریع کردن فرایند رسیدگی کیفری، مادی کردن جرائم و نیز سخت کردن شرایط اعطای تعلیق و آزادی مشروط، تشدید قرارهای تأمین و... را نیز به دنبال دارد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰ ش، ص ۴۸)

با این حال این همه تأثیر عوام‌گرایی نیست. عوام‌گرایی هرچند برآمد یک خواست جمعی اکثریت یا مطلق^{۱۳} در برابر اقدامی است که برای جمعی ناعادلانه و نامشروع می‌نماید، لذا نیازمند عکس‌العمل سریع جامعه در برابر آن است، تأثیرات نامطلوب حاصل از برانگیختگی یک احساس جمعی را دربر دارد، زیرا در برخورد نخستین، عوام‌گرایی بر حاکمیت قانون^{۱۴} تأثیرگذار است.

اگر بپذیریم که حقوق کیفری نظم‌دهنده روابط جمعی افراد بشر است این نظم‌دهی از طریق حاکمیت قانون امکان‌پذیر می‌باشد. حاکمیت قانون به این معناست که تنها نظام قضایی است که باید حل و فصل‌دهنده اختلافات و دعاوی باشد. نیروی انتظامی و پلیس به عنوان حامی افراد جامعه، تنها از بزه‌دیده، فردی که مورد ضرر و زیان واقع شده، حمایت می‌کند و در عین حال، احساسات جریحه‌دار شده جامعه، متهم و پس از آن محکوم را، بیش از آنچه که خطا کرده است، نباید سرزنش و سرکوب کند. این در حالی است که عوام‌گرایی تاب تحمل حاکمیت قانون را ندارد و می‌خواهد فراتر از آن و برای عبرت سایرین، بزهکار را تأدیب کند، لذا اینجاست که ناامنی قضایی^{۱۵} در پس فشارهای عوام‌گرایی سر بر می‌آورد. ناامنی قضایی شاید عمده تأثیر عوام‌گرایی در سیاست کیفری باشد که همه بازیگران این عرصه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.^{۱۶} به دیگر سخن، ناامنی خود ازاری سیاسی است، زیرا سیاست‌گذاران جنایی هدف ناامن کردن محیط برای بزهکاران را دنبال می‌کنند. با این حال این ناامنی نامحدود همه افراد چه بزهکار و چه غیر بزهکار را دربر می‌گیرد.

برخی ناامنی منتج از عوام‌گرایی را برآمد نظام دموکراسی می‌دانند که در این صورت، حاکمان و سیاست‌گذاران برای آنکه همیشه محبوب^{۱۷} رأی‌دهندگان باقی بمانند، به طور وسیعی به سیاست‌های عوام‌گرایانه کیفری دست می‌زنند. در گزارشی از کشور ایالات متحده نشان داده شد که از دهه ۶۰ تا ۹۰ میلادی با توجه به گرایش‌های عوام‌گرایانه، قوانین فدرال به تشدید مقابله با جرم پرداختند که در این خصوص می‌توان به افزایش قدرت نیروی پلیس، جمعیت زندانیان و... در این کشور اشاره نمود. (لاند، ۲۰۰۵ م، ص ۴۰) مثال دیگر آن تشدید سیاست کیفری فرانسه در سال‌های ریاست جمهوری آقای سارکوزی رئیس‌جمهور دست راستی

فرانسه برای مقابله با پدیده بزهکاریانی که جرم را تکرار می‌کنند^{۱۸}، بود که در عمل در راستای اجرای سیاست‌های راست‌گرایانه امنیت‌خواه دنبال می‌شد. در این چارچوب، تصمیمات شدیدی برای اقدامات تأمینی نسبت به این‌گونه بزهکاران گرفته شد که انتقادات زیادی را به دنبال داشت. راجع به مقابله با تروریسم و جرائم سازمان‌یافته نیز برخوردهای عوام‌گرایانه صورت گرفته است. در این راستا برخی از نویسندگان فرانسوی اعتقاد دارند که افراط در پاسخ به جرایم «مشروعیت و مؤثر بودن مجازات را از بین می‌برد.» (سالاس، ۲۰۰۵ م، ص ۲۰)

ب - عوام‌گرایی و سیاست کیفری حامی محیط زیست

عوام‌گرایی نه تنها در حوزه عمومی حقوق کیفری ظهور و بروز می‌نماید، بلکه در عرصه‌های تخصصی این رشته همچون حقوق کیفری بازرگانی، حقوق کیفری تجاری و اقتصادی، حقوق کیفری کار و حقوق کیفری سایبر با توجه به افزایش تأثیر افکار عمومی و فشار آن بر زرادخانه کیفری هر کشور، نیز رخ می‌نمایند. در این خصوص حقوق کیفری محیط زیست شاید از بارزترین مثال‌های عوام‌گرایی است که نشان‌دهنده آگاهی جوامع از مسائل زیست‌محیطی و حساسیت نسبت به آن است.^{۱۹} بنابراین در این قسمت پس از مطالعه اجمالی سیاست کیفری عوام‌گرای زیست‌محیطی در حوزه حقوق کیفری اروپا، به عوام‌گرایی در سیاست کیفری حامی محیط زیست در نظام حقوقی کشور خود خواهیم پرداخت.

۱- جرم‌انگاری اروپایی جرائم محیط زیست

در حقوق کیفری اروپایی نخستین عکس‌العمل در برابر جرم‌انگاری اقدامات علیه محیط زیست این مسأله است که چرا باید برای این‌گونه اقدامات پاسخ کیفری داد؟ در این صورت دو نکته قابل تأمل است: حقوق کیفری در محیط

زیست چه منفعتی را مورد حمایت قرار می‌دهد و دیگر این‌که درجه حمایت از این منفعت تا چه حد است؟ مشکلی که در این زمینه از گذشته وجود داشته تا اساساً بتوانیم از حقوق کیفری محیط زیست صحبت کنیم، این مسأله است که میزان ضرر و زیان قابل اندازه‌گیری نیست و نمی‌توان به طور دقیق از درجه حمایت سخن به میان آوریم.

در برابر این مسائل پیش از شکل‌گیری حقوق کیفری محیط زیست در سطح اروپا، نظام اداری با صدور بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها درصدد جلوگیری از زیان‌های وارد به محیط زیست مداخله نمود. بنابراین گفته‌شده که نظام کیفری محیط زیست اروپایی با توجه به نگرانی‌های اداری و به عنوان تبعی ایجاد گردید. (گیودیسلی، ۲۰۰۶ م، ص ۴۷۸) سرچشمه‌های عوام‌گرایانه حمایت از محیط زیست نیز از همین‌جا شکل گرفت که نظام اداری در راستای توجه افکار عمومی به حمایت از محیط زیست، در زمانی که قانون‌گذار از آن غافل بود، شکل گرفت. در واقع حقوق موضوعه در برخی کشورهای اروپایی فراتر از نهاد قانون‌گذاری اروپایی به مسأله محیط زیست عکس‌العمل نشان داد. این به آن معناست که رویه‌های قضایی در جهت حمایت از مسائل زیست‌محیطی پیشرو بوده و فراتر از قانون‌گذار در مواقعی که حتی قانون ساکت یا مبهم بوده است، به صدور آرای حمایتی در زمینه محیط زیست پرداخته است.

کشورهای اروپایی در خصوص عوام‌گرایی کیفری با یکدیگر تفاوت نشان داده‌اند. برخی در قانون کیفری خود و برخی در قانون‌های پیوست دیگر به جرم‌انگاری محیط زیست پرداخته‌اند. برای مثال فرانسه، ایتالیا و انگلستان در قوانین کیفری جرم‌انگاری زیست‌محیطی را وارد کرده‌اند. در حالی که در کشورهای آلمان و اسپانیا به مدت طولانی جرم‌انگاری‌های آن در قوانین اداری وجود داشت. در

اسپانیا هنوز تنها یک ماده (۳۲۵) در قانون کیفری به جرم‌انگاری کلیه اقدامات علیه جو زمین، خاک، منابع زیر خاک، آب و دریاها می‌پردازد و حقوق اداری تنبیهی به جرم‌انگاری‌های دیگر می‌پردازد. (گیودیسی، ۲۰۰۶، ص ۴۷۸)

تفاوت جایگاه جرم‌انگاری در هر جا که باشد، قدر مسلم این است که کشورهای اروپایی در تشدید گونه‌های نوین بزهکاری محیط زیست با یکدیگر هماهنگ هستند، هرچند که از لحاظ اجرایی اختلاف وجود دارد، هماهنگی در مقابله با بزهکاری محیط زیست یک اولویت اروپایی است. در این خصوص رهنمودهای اروپایی هرچند ماهیت کیفری ندارند، اما با توجه به طبیعت «فراکیفری» خود هدف محافظت از محیط زیست اروپا که دغدغه شهروندان آن است را دنبال می‌کنند.

به طور خلاصه می‌توان گفت که فراکیفری بودن منابع حمایتی محیط زیست در سطح اروپا، نشان از کاهش فشار افکار عمومی حمایت از آن نیست، بلکه این امر برای احترام به حاکمیت ملی هر کشور اروپایی از لحاظ مقررات کیفری است. رهنمودهای اروپایی نیز تنها نقش چارچوب‌بندی سیاستی را دارد و نهایتاً این کشورهای اروپایی هستند که با افزایش تعداد جرم‌انگاری‌ها به اقدامات علیه آن پاسخ می‌دهند.

در پایان این بحث شاید بتوان به این سؤال که آیا اروپا به سمت یک عوام‌گرایی پیش می‌رود، پاسخ داد. در واقع عوام‌گرایی کیفری علیه انواع جدید بزهکاری در معنای عام و بزهکاری محیط زیست در معنای خاص، هرچند وجود دارد با این حال تضمین‌های حقوقی نیز پیش‌بینی شده است که در جهت تقلیل تأثیرات عوام‌گرایی برمی‌آید. اصولی بنیادینی مانند تناسب جرایم و مجازات^{۲۰}، تفکیک قوا

و... از یک طرف و نهادهایی مانند دیوان اروپایی حقوق بشر از طرف دیگر می‌توانند ضامن افراط در سیاست‌های کیفری عوام‌گرایانه باشند.

۲- محیط زیست و عوام‌گرایی در سیاست کیفری ایران

نظام قانونی ایران، به آن گونه که عوام‌گرایی کیفری غربی را می‌شناسیم راجع به محیط زیست رشد نکرده است و در واقع ابتدای اقدامی است در جهت جرم‌انگاری عادی و نه افراطی، علیه جرایم محیط زیست^{۲۱}. با این وجود، در مقررات فروتقنینی ایران، جهت‌گیری‌ها شاید شدیدتر نمود دارد به حدی که می‌توان از گونه‌ای عوام‌گرایی سخن گفت.

در سیاست کیفری ایران به جهت آنکه وجه غالب حمایت کیفری از محیط زیست به سیاست‌گذاری‌های قبل از انقلاب بازمی‌گردد، شاهد عوام‌گرایی مشهودی نیستیم. شاید مهم‌ترین دلیل در این خصوص نبود رسانه‌ها به نسبت امروز و تأثیر آن‌ها بر افکار عمومی در آن دوره می‌باشد. توضیح آنکه ویژگی بارز عوام‌گرایی، تأثیرپذیری سیاست‌گذاران از افکار عمومی و اتخاذ رویکردهایی در جهت رضایتمندی آن‌ها می‌باشد، اما آنچه که افکار عمومی را نسبت به موضوعی خاص، حساس و توجه آنان را به آن جلب می‌کند رسانه‌ها هستند. امروزه رسانه‌ها نقش مهمی را در عرصه عدالت کیفری و ظهور عوام‌گرایی بازی می‌کنند. در واقع رسانه‌ها با انعکاس اخبار مربوط به پدیده‌های جنایی، نگرش خاصی را به مردم تحمیل می‌کنند و چگونگی قضاوت و داوری آنان درباره جرم و عدالت کیفری را سازمان می‌دهند. این ابزارهای ارتباطی به سادگی می‌توانند از موضوعی کم‌اهمیت سوژه‌ای بسیار مهم بسازند و افکار عمومی را نسبت به پدیده‌ای خاص حساس کنند و یا برعکس از حادثه‌ای مهم، خبری خنثی و کم‌اهمیت بسازند. (فرجیها، ۱۳۸۵ ش، ص ۵۸) پس از انقلاب همچون قبل از آن، هرچند قانون‌گذاری زیست‌محیطی منسجمی به

چشم نمی‌خورد و قوانین بسیار کمی در راستای حمایت کیفری از محیط زیست به تصویب رسیده‌اند^{۲۲}، اما با رشد جمعیت رسانه‌های دیداری - شنیداری به خصوص در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ خورشیدی و بروز حوادث زیست‌محیطی مهمی همچون آلودگی هوا، آتش‌سوزی جنگل‌های ملی گلستان، خشک‌شدن دریاچه ارومیه و رودخانه زاینده‌رود، هجوم ریزگردها به کشور و در معرض انقراض قرارگرفتن گونه‌های نادر جانوری همچون یوزپلنگ ایرانی، افکار عمومی به سمت و سوی دلخواه رسانه‌ها سوق پیدا کرده و قانون‌گذار به ناچار با تأثیرپذیری از افکار عمومی به سمت عوام‌گرایی در مقررات‌گذاری خود گرایش پیدا کرده است.

در این خصوص ابتدا می‌توان نشانه‌هایی از وجود عوام‌گرایی در گفتمان قانون‌گذار چه در سطح تقنینی و چه در سطح فروتقنینی در زمینه پدیده ریزگردها را مشاهده کرد. ریزگردها که حدود چند دهه است مهمان آسمان ایران هستند و عمده آن‌ها از ناحیه کشور عراق به پهنای آسمان کشورمان وارد می‌شوند، شرایط نابسامانی به خصوص در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ خورشیدی برای ساکنان مناطق جنوبی و غربی کشور به خصوص استان‌های خوزستان، ایلام، لرستان و کرمانشاه به وجود آورده بودند که البته تاکنون نیز کمابیش ادامه دارد. گستردگی وجود این گرد و غبار تا اندازه‌ای بود که حتی به استان‌های مرکزی و پایتخت نیز رسید. پس از بروز پی‌درپی این پدیده زیست‌محیطی و پوشش خبری این موضوع، موجی از اعتراض‌های مردمی در این خصوص به راه افتاد. یکی از علل مهم وجود این اعتراض‌ها، تأثیرپذیری افکار عمومی از رسانه‌های دیداری - شنیداری بود. در واقع رسانه‌ها با تیترهایی همچون «خسارت میلیاردی ریزگردها به اقتصاد لرستان^{۲۳}»، «خطر انتشار ریزگردها در تمام کشور^{۲۴}»، «بازگشت ریزگردهای مهاجم^{۲۵}»، «تعطیلی چاره کاهش ریزگردها نیست^{۲۶}»، «ضرورت بررسی چالش گرد و غبار در

کشور و راه‌های مقابله با این پدیده^{۲۷}، «گرد و غبار، زندگی را به کام غرب و جنوب تلخ کرد^{۲۸}» نقش مهمی را در ایجاد حساسیت و به راه‌افتادن موجی از انتقادات توسط مردم ایفا نمودند. در پس این‌گونه انتقادات، اقداماتی از سوی قانون‌گذار ایرانی رخ داد. اول اصلاح آیین‌نامه آمادگی و مقابله با آثار زیان بار پدیده گرد و غبار (ریزگرد) در کشور مصوب ۱۳۸۸/۵/۶ به موجب تصویب‌نامه شماره ۳۱۶۲۵/ت ۴۶۶۱۰ ه مورخ ۱۳۹۱/۲/۲۰ هیأت وزیران و دوم تلاش مجلس شورای اسلامی در راستای تصویب لایحه تقدیمی از سوی دولت برای مهار پدیده ریزگردها.^{۲۹} در واقع وجود ریزگردها از جمله پدیده‌های زیست‌محیطی مهمی است که بیش از یک دهه است که مشکلات عدیده‌ای را به وجود آورده است. حال آنکه مقنن و دستگاه‌های متولی امر گامی مثبت را در این زمینه برنداشته‌اند. این در حالی است که اقدام‌های پیش‌گفته مقنن زمانی صورت گرفته‌اند که اعتراض‌ها شدت یافته‌اند و بدون شک چنین اقداماتی از جانب مقنن فقط در راستای جلب رضایت افکار عمومی است.

نمونه دیگر عوام‌گرایی در عرصه سیاست‌گذاری زیست‌محیطی را می‌توان در مصوبه شورای عالی محیط زیست در خصوص افزایش نرخ بهای جانوران وحشی مشاهده کرد. توضیح آنکه از یک طرف جانوران وحشی موضوع حمایت کف‌ری مواد ۱۰ تا ۱۳ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحی ۱۳۷۵ و ماده ۶۸۰ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ است و از طرف دیگر بر اساس بند چ ماده ۳ قانون شکار و صید «تعیین بهای جانوران وحشی از لحاظ مطالبه ضرر و زیان» از وظایف و اختیارات شورای عالی محیط زیست می‌باشد. در این خصوص باید بیان داشت که گونه‌ای از جانوران وحشی، به شدت در معرض خطر انقراض قرار دارند. این گونه‌ها در فهرست قرمز کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های جانوری و گیاهی

در معرض انقراض (واشنگتن ۱۹۷۳ م.) که منبع معتبری است که اطلاعات جامعی را در خصوص این گونه‌ها هر ساله منتشر می‌نماید، (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۸۸ ش، ص ۷۸) ثبت می‌شوند که از جمله آن‌ها می‌توان به گورخر و گوزن زرد ایرانی اشاره کرد. (خالقی، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۶۰) یوزپلنگ ایرانی نمونه دیگر جانوران وحشی است که بر اساس برخی آمارها به شدت در معرض خطر انقراض می‌باشد. به جهت پیشگیری از انقراض نسل این گونه‌های کمیاب، حمایت‌های گسترده از آن‌ها لازم می‌نماید. یکی از این حمایت‌ها، حمایت کیفری است. این حمایت در زرادخانه کیفری ایران، به صراحت در بند الف ماده ۱۳ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ شمسی^{۳۰} صورت گرفته است، اما صرف حمایت‌های کیفری در این زمینه کار ساز نبود و قانون‌گذار به هر اندازه میزان کیفرها را افزایش داده هنوز مؤثر واقع نشده است.

در سال ۱۳۹۴ شورای عالی محیط زیست با توجه به بند چ ماده ۳ قانون شکار و صید، مصوبه‌ای را به تصویب رساند که به موجب آن بهای جانوران وحشی به خصوص جانوران در معرض انقراض به شدت افزایش یافت. به موجب این مصوبه بهای یوزپلنگ به هزار میلیون ریال افزایش یافته در حالی که به موجب مصوبه قبلی، قیمت این حیوان نادر، ۲۵۰ میلیون ریال بوده است. همچنین بهای پلنگ از ۵۰ میلیون ریال به هشتصد میلیون ریال، گوزن زرد ایرانی از ۵۰ میلیون ریال به ۶۰۰ میلیون ریال، گورخر و خرس سیاه از ۶۰ میلیون ریال به ۵۰۰ میلیون ریال و مرال و شوکا از ۳۲ میلیون ریال به ۳۵۰ میلیون ریال افزایش یافته‌اند.

اما افزایش چشمگیر بهای نرخ جانوران وحشی، به خصوص جانوران در معرض انقراض مانند یوزپلنگ را می‌توان ناشی از جهت‌گیری افکار عمومی به سمت حمایت از آن‌ها که خود متأثر از نمایش حمایت از یوزپلنگ در رسانه است، دانست.

توضیح آنکه در سال ۱۳۹۳ خورشیدی، رسانه‌ها به دو طریق از یوزپلنگ ایرانی حمایت کردند که خود نقش مهمی را در سوق‌دهی افکار عمومی به سمت حمایت از این‌گونه جانوری در معرض خطر ایفا نمود. اول پخش سریال تلویزیونی پایتخت ۳ در شبکه یک سیما در تعطیلات عید نوروز که بخش مهمی از گفتمان خود را بر حمایت از محیط زیست و به خصوص یوزپلنگ ایرانی اختصاص داده بود؛ دوم نیز انتخاب نقشی از این حیوان بر روی پیراهن تیم ملی فوتبال ایران که قرار بود در جام جهانی فوتبال ۲۰۱۴ در خرداد همان سال شرکت نماید. در واقع با بروز این دو واقعه، افکار عمومی ایران که قبل از آن با یوزپلنگ ایرانی آشنایی چندانی نداشت، به سمت حمایت از این حیوان رفت. در واقع نگارندگان بر ارزش ذاتی و حتی قابل تقویم‌نبودن ارزش حیوانات با مادیات معتقد هستند و عقیده دارند که در وضع فعلی نظام کیفری ایران این کیفرها بسیار ناچیز بوده، اما گرانیگاه بحث در خصوص اقدام قانون‌گذار است که متأثر از رویکردهای عوام‌گرا می‌باشد. توضیح آنکه بدون شک مبرهن است که صرف حمایت کیفری از چنین جانورانی که حتی می‌توانند جزء فرهنگ و هویت یک کشور باشند، شاید هرچند کارساز نباشد، ولی لازم است، اما زمانی این اقدام کیفری ارزشمند است که ابتدا بر اساس سنجیدگی بوده و سپس با دیگر سازوکارهای حقوقی - اجرایی جهت پیشگیری از چنین فجایعی همراه باشد. بنابراین با تطبیق عملکرد قانون‌گذار نسبت به سال‌های پیش از تصویب چنین مصوبه‌ای، مشخص می‌شود که آنچه که باعث بروز چنین عملکردی از سوی قانون‌گذار بوده است، گفتمان عوام‌گرایی جهت کسب مقبولیت خویش بوده است.

بدین‌سان مشخص می‌شود که در نظام حقوقی ایران همچون آغاز عوام‌گرایی در اروپا، شاهد عوام‌گرایانه‌شدن سطوح فروتقنینی هستیم. به دیگر سخن، در نظام

حقوقی ایران به جهت عدم کارایی فعال مقنن در جهت جرم‌انگاری جرائم زیست محیطی، هنوز رویکردهای عوام‌گرا بر عملکرد قانون‌گذار تأثیر نگذاشته است، اما در برخی مقررات آیین‌نامه‌ای در عرصه محیط زیست شاهد رویکردهای عوام‌گرا هستیم. بنابراین هم‌چنانکه در اروپا عوام‌گرایی ابتدا با بخشنامه‌های اداری پا به عرصه ظهور گذاشت و سپس وارد حوزه قانون‌گذاری کیفری شد، در ایران نیز این احتمال وجود دارد که عوام‌گرایی پس از عبور از مقررات فروتقنینی به گفتمان و عملکرد قانون‌گذار راه پیدا کند. از این رو، قانون‌گذار ایران نباید در راهی قدم گذارد که اروپا آن را تجربه کرده است، هرچند که حمایت از محیط زیست دغدغه منطقی بشر امروزی است، اما نباید گذرا و احساسی برخورد شود و حتماً باید بر مبنای علمی و بر اساس اصول قانون‌گذاری نخبه‌گرا صورت گیرد.

نتیجه‌گیری

آن گاه که عوام نسبت به موضوعی خاص حساس و خواستار اجرای فوری مطالبات خویش می‌شوند، سیاست‌گذاران به دلایلی همچون کسب امتیاز، اقداماتی را همسو با افکار آنان اتخاذ می‌کنند. یکی از حوزه‌هایی که به شدت حساسیت عوام را در پی دارد، حوزه نظم و امنیت است. از این رو عوام خواهان تأمین امنیت و برخورد قاطع با بزهکاران است.

یکی از عواملی که عوام را به چنین خواسته‌هایی تحریک می‌کند رسانه است. رسانه‌ها با نمایش صحنه‌های جرائم و ایجاد پدیده ترس از جرم نقشی مهم را در سوق‌دهی افکار عمومی به سمت برخورد قاطع متولیان عدالت کیفری با بزه و بزهکاران ایفا می‌کنند. بدین‌سان سیاست‌گذاران کیفری ناگزیرند جهت کسب رضایت مردم، به سوی اتخاذ اقدامات عوام‌گرایانه سوق پیدا کنند. عوام‌گرایی رویکردی سیاسی است که در پس آن سیاست‌گذاران با کنارزدن گفتمان نخبه‌گرا و با مداخلیت افکار عمومی در عملکرد خود، اقداماتی جهت رضایتمندی عوام اتخاذ می‌کنند. بنابراین اقدامات متأثر از رویکردهای عوام‌گرا با دارا بودن ویژگی‌های خاصی که برشمردیم بی‌آنکه به دنبال کشف علل اصلی جرائم باشند، فقط به دنبال دادن پاسخی قاطع و در عین حال گذرا به بزهکاری هستند.

حوزه محیط زیست نیز یکی از حوزه‌هایی است که هرچند حقوق کیفری با تدابیر خویش از آن صیانت می‌کند، اما امروزه به جهت بحران‌های زیست‌محیطی گسترده‌ای که در سطح دنیا به وقوع پیوسته است، قانون‌گذاران کشورهای مختلف تحت تأثیر حساسیت افکار عمومی نسبت به حفظ محیط زیست، به سوی اتخاذ اقدامات عوام‌گرا کشانده شده‌اند. از این رو کشورهای اروپایی هرچند قانون‌گذاری زیست‌محیطی یکپارچه‌ای ندارند، اما در ابتدا با آیین‌نامه‌های اداری درصدد

پاسخگویی به جرائم زیست‌محیط برآمدند. بدین‌سان پس از ظهور رویکردهای عوام‌گرا در اصدار این‌گونه آیین‌نامه‌ها، قانون‌گذاری اروپایی جرائم زیست‌محیطی نیز به سوی عوام‌گرایی افراطی در این حوزه پیش رفت، اما تضمینات پیش‌بینی شده تا حدی جلوی این افراط را گرفت.

بنابراین می‌توان ادعا کرد که سیاست کیفری ایران در راهی قدم گذاشته که اروپا آن را تجربه کرده است. از این رو ضروری است که برای جلوگیری از ظهور عوام‌گرایی در سطح تقنینی و تأثیر آن در اقدامات زودگذر، احساسی و آنی چاره‌ای اندیشیده شود و تضمینات مناسبی اتخاذ گردد. در این صورت سیاست کیفری زیست‌محیطی از حالت مقطعی بودن خود خارج شده و جنبه اجرایی کارآمد به خود می‌گیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. در جرم‌شناسی سبز (Green Criminology/ Criminalité verte ou crime écologique) که یکی از گرایش‌های جرم‌شناسی انتقادی است و از منظرگاه علم جرم‌شناسی به بزهکاری علیه محیط زیست می‌پردازد، این عقیده شکل گرفته است که باید بزهکاران زیست‌محیطی را بزهکاران یقه سبز (Green Collar Criminals) نامید، زیرا وجه غالب مرتکبان جرائم زیست‌محیطی را همان بزهکاران یقه سفید موضوع علم جرم‌شناسی تشکیل می‌دهند. از این رو با توجه به موضوع جرائم ارتكابی آن‌ها باید این واژه را بر این بزهکاران اطلاق نمود.

۲. امروزه برخی از نویسندگان با توجه به معیارهای مختلف اقدام به طبقه‌بندی جرائم زیست‌محیطی کرده‌اند. از جمله این معیارها، معیار آسیب مستقیم به محیط زیست و جرائمی است که مرتبط با محیط زیست است که موجب طبقه‌بندی جرائم زیست‌محیطی به دو دسته جرائم سبز اولیه و جرائم سبز ثانویه است. جرائم سبز اولیه که مستقیماً از آلوده کردن و تخریب منابع زمین ناشی می‌شود (عبداللهی، ۱۳۸۶ ش، ص ۱۰۶) عبارتند از: جرائم مربوط به آلودگی هوا (Crimes of air pollution)، جرائم مربوط به جنگل زدایی (Crimes of deforestation)، جرائم مربوط به کاهش گونه‌ها و جرائم علیه حقوق حیوانات (Crimes of species decline and animal rights)، جرائم مربوط به آلودگی آب (Crimes of water pollution) و جرائم سبز ثانویه نیز عبارتند از: خشونت دولتی علیه گروه‌های مخالف (State violence against oppositional groups) و زباله‌های خطرناک و جرم سازمان‌یافته (Hazardous waste and organized crime) (امان و همکاران، ۲۰۰۴ م، صص ۹-۳۱۶) راب وایت از دیگر نویسندگانی است که با توجه به پیچیدگی جرائم زیست‌محیطی معیاری نسبی را برای طبقه‌بندی جرائم زیست‌محیطی در نظر گرفته است. از این منظر وی جرائم زیست‌محیطی را به چهار طبقه سنجش‌های موضعی (Focal Considerations)، جغرافیایی (Geographical)، وضعی (Locational) و زمانی (Temporal) طبقه‌بندی و تعریف می‌کند. (وایت، ۲۰۰۸ م، ص ۹۲)

3. Environmental Crimes/ Crimes environnementaux

۴. جهت اطلاعات بیشتر در خصوص جرم‌شناسی سبز، بنگرید به: عباچی، مریم. (۱۳۹۲ ش). جرم‌شناسی سبز. دایره‌المعارف علوم جنایی. کتاب دوم (زیر نظر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی). تهران: نشر میزان؛ گرجی‌فرد، حمیدرضا. (۱۳۹۲ ش). جرم‌شناسی سبز و جرائم زیست‌محیطی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست، دانشگاه شهید بهشتی.

5. Populisme

۶. Moral Panic/ Panique morale یا هراس اخلاقی به حساسیت بالای مردم به برخی مسائل اجتماعی که نوعاً به عنوان تهدید علیه نظم اجتماعی مطرح می‌شود، گفته می‌شود. این آموزه نخستین بار توسط استنلی کوهن در سال ۱۹۷۲ مطرح شد. به گفته وی هراس اخلاقی زمانی بروز می‌کند که شرایط، حالت، فرد و یا گروهی از افراد به عنوان تهدیدی برای ارزش‌ها و علایق اجتماعی معرفی می‌شوند. (بنگرید به: نجفی ابرندآبادی و سیدزاده ثانی، ۱۳۹۱ ش، صص ۴۰-۱۳۹)

۷. یکی از آثار مهم دیگر عوام‌گرایی در صحنه سیاست جنایی را می‌توان سیاست «جنگ با جرم» دانست. (بنگرید به: دلماس مارتی، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۰۰۹) به موجب این سیاست که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله تروریستی به برج‌های تجارت جهانی آمریکا در سال ۲۰۰۱ علیه اقدام‌های تروریستی شکل گرفت، تروریسم دیگر به عنوان جرم تلقی نمی‌شود و بکارگیری واژه جنگ برای این سیاست به منظور عبور از محدودیت‌های حقوق کیفری و بهره‌بردن از حقوق جنگ است، زیرا در جنگ می‌توان در شرایطی دشمن یا تروریست را کشت. همچنین می‌توان تروریست‌ها را تا پایان جنگ بدون نیاز به مدرک و بی‌آنکه مرتکب جرمی شده باشند، زندانی کرد؛ در حالی که با حقوق کیفری چنین اقدام‌هایی ممکن نیست. (بنگرید به: صدر توحیدخانه، ۱۳۸۸ ش، ص ۴۶۷)

8. Penal Policy/ Politique pénale

9. Criminal Policy/ Politique criminelle

۱۰. حتی شاید بتوان گفت که رسانه‌ای شدن جرم در صفحه حوادث روزنامه‌ها یا تلویزیون مثال بارز آن است. تعدد سریال‌های پلیسی تلویزیون بر این رسانه‌ای شدن تأثیرگذار است.

۱۱. جهت اطلاعات بیشتر در خصوص عوامل شکل‌گیری اتخاذ رویکردهای سخت‌گیرانه نسبت به جرم، بنگرید به: کاشفی اسماعیل‌زاده، حسن. (۱۳۸۴ ش). جنبش‌های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی: علل و جلوه‌ها. مجله الهیات و حقوق. شماره پانزدهم و شانزدهم، صص ۹۸-۲۵۷.

12. Phénomène de victimization de la société

13. Unanime

14. Etat de droit

15. Insécurité sociale

۱۶. در اینجا بزه‌دیده نیز خود به ملعبه‌ای تبدیل می‌شود که تنها نقش تسریع در روند مجازات را از این جهت که احساسات برمی‌انگیزد، بازی می‌کند.

17. Populaire

18. Récidivistes

۱۹. در حقوق کیفری کسب و کار نیز جایگاه محیط زیست از این حیث که جز ذی‌نفعان خارجی که نیازمند حمایت ویژه است محسوب می‌گردد. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، بنگرید به: جعفری، امین. (۱۳۹۳ ش.). حقوق کیفری کسب و کار. تهران: شهر دانش. صص ۲۱ به بعد.

20. Principe de proportionnalité des peines

۲۱. در سیر قانون‌گذاری ایران، از ابتدا تاکنون محیط زیست از جمله مباحثی بوده است که قانون‌گذار توجه ویژه‌ای به آن مبذول نداشته است. در این سیر دو ویژگی به نحو بارزی نمایان گر هستند. اول ضعف قانون‌گذاری در حمایت کیفری از محیط زیست و نبود مجموعه قوانین منسجمی در این راستا و دوم ضعف ضمانت اجرای کیفری در خصوص جرائم زیست‌محیطی. از جمله نمونه‌هایی از کیفرهای سبک در خصوص جرائم زیست‌محیطی نسبت به دیگر کیفرهای موجود در زرادخانه کیفری ایران می‌توان اشاره کرد به: ماده ۱۰ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ که برای شکار و صید جانوران وحشی عادی بدون پروانه، شکار و صید بیش از میزان مندرج در پروانه یا خلاف مقررات و خارج از محل‌های مندرج در پروانه، حمل، عرضه، فروش و صدور جانوران وحشی زنده یا کشته و اجزای آن‌ها بدون کسب پروانه و یا مجوز از سازمان جزای نقدی از یکصد هزار (۱۰۰۰۰۰) تا یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال یا حبس از یک تا شش ماه پیش‌بینی نموده است. ماده ۱ لایحه قانونی مجازات صید غیر مجاز از دریای خزر و خلیج فارس مصوب ۱۳۵۸ که صید هر نوع ماهی و سایر آبزیان در خلیج فارس و دریای خزر را بدون اخذ پروانه از شرکت سهامی شیلات ایران ممنوع کرده و برای متخلفین در بار نخست علاوه بر ضبط عین مال به نفع شرکت مذکور به جزای نقدی معادل دو برابر بهای مکشوفه و برای دفعات بعد علاوه بر ضبط مال و پرداخت دو برابر بهای آن حبس جنحه‌ای از ۶۱ روز تا شش ماه مقرر کرده است. ماده ۲۸ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ که برای افرادی که با وسایل نقلیه موتوری آلوده‌کننده غیر مجاز تردد می‌نمایند، جزای به میزان پانصد هزار ریال، ماده ۲۹ قانون مذکور که برای صاحبان و مسئولین کارخانجات، کارگاه‌ها، شهرک‌ها و مجتمع‌های صنعتی آلوده‌کننده که برخلاف مقررات و ضوابط این قانون عمل نمایند، برای بار اول جزای نقدی از دو میلیون تا پنج میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از دوماه تا شش ماه و جزای نقدی از پنج میلیون تا ده میلیون ریال مجازات مقرر نموده است. ماده ۳۱ همین قانون که مقرر نموده صاحبان و مسئولان منابع تجاری و اماکن عمومی که چنانچه برخلاف ماده ۲۴ همین قانون که سوزاندن و انباشتن زباله‌های شهری و خانگی و هرگونه نخاله در معابر عمومی و فضای باز را ممنوع دانسته است، موجبات آلودگی هوا را فراهم نمایند، پس از هربار اخطار و پایان مهلت مقرر به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا پنج میلیون ریال و در صورت تکرار از دو میلیون ریال تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. همچنین پیش‌بینی حبس تا یک سال

مطابق ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ برای کسانی که اقدام آنان تهدیدی علیه بهداشت عمومی محسوب شود.

۲۲. از جمله مهم‌ترین این قوانین می‌توان به: قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۸ و اصلاحی ۱۳۷۱، قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخائر جنگلی کشور، قانون آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴، موادی از قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و قانون مدیریت پسماند مصوب ۱۳۸۳ اشاره کرد.

۲۳. روزنامه جام جم، مورخ ۱۳۹۱/۴/۱۹.

۲۴. روزنامه ایران، مورخ ۱۳۹۱/۲/۱۸.

۲۵. روزنامه جام جم، مورخ ۱۳۹۱/۲/۲۷.

۲۶. روزنامه جام جم، مورخ ۱۳۹۱/۳/۱۵.

۲۷. روزنامه کیهان، مورخ ۱۳۹۱/۳/۲۰.

۲۸. روزنامه ابتکار، مورخ ۱۳۹۱/۶/۱۲.

۲۹. مهر پدیده ریزگردها در دستور کار مجلس شورای اسلامی. روزنامه کیهان، مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۶.

۳۰. هرکس مرتکب اعمال زیر شود به مجازات حبس از نود و یک روز تا سه سال یا جزای نقدی از یک میلیون و هشتصد هزار ریال (۱/۸۰۰/۰۰۰) تا بیست میلیون ریال (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) محکوم می‌شود: الف: شکار جانوران وحشی کمیاب و در معرض خطر انقراض از قبیل جیبیر، گورخر، گوزن زرد ایرانی، یوزپلنگ و... .

فهرست منابع

الف: منابع فارسی

پاک‌نهاد، امیر. (۱۳۸۸ ش.). سیاست جنایی ریسک‌مدار. تهران: نشر میزان، چاپ اول.

جانستون، جری. (۱۳۹۰ ش.). سیاست‌گذاری کیفری: نخبه‌گرا، عامه‌گرا یا مشارکت‌محور؟. مترجم بهروز جوانمرد، مجله تعالی حقوق. سال سوم، شماره یازدهم.

جعفری، امین. (۱۳۹۳ ش.). حقوق کیفری کسب و کار. تهران: شهر دانش. چاپ اول.

خالقی، ابوالفتح. (۱۳۸ ش.). تحلیل تدابیر کیفری ملی در حفاظت از گونه‌های جانوری با تأملی بر اسناد فراملی. فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره چهارم، شماره چهارم.

دلماش مارتی، میری. (۱۳۸۸ ش.). پارادایم جنگ علیه جرم؛ مشروع‌سازی امری غیر انسانی. مترجم روح‌الدین کردعلیوند، *تازه‌های علوم جنایی - مجموعه مقاله‌ها* (زیر نظر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی). تهران: بنیاد حقوقی میزان.

رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۴ ش.). بزه‌دیدگان و نظام عدالت جنایی. *مجله حقوقی دادگستری*. شماره پنجاه و دوم و پنجاه و سوم.

رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین. (۱۳۸۸ ش.). حمایت کیفری از گونه‌های جانوری در ایران. *فصلنامه علوم محیطی*. سال هفتم، شماره دوم.

صدر توحیدخانه، محمد. (۱۳۸۸ ش.). حقوق در چنبره دشمن؛ از سیاست آمریکایی جنگ با ترور تا نظریه آلمانی حقوق کیفری دشمنان. *تازه‌های علوم جنایی - مجموعه مقاله‌ها* (زیر نظر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی). تهران: بنیاد حقوقی میزان.

عبداللهی، محسن. (۱۳۸۶ ش.). حمایت کیفری از محیط زیست: تأملی بر بایسته‌های حقوق کیفری زیست‌محیطی. *فصلنامه علوم محیطی*. سال پنجم، شماره اول.

فرجیها، محمد. (۱۳۸۵ ش.). بازتاب رسانه‌ای جرم. *فصلنامه رفاه اجتماعی*. سال ششم، شماره بیست و دوم.

فرجیها، محمد. مقدسی، محمدباقر. (۱۳۹۲ ش.). پاسخ‌های کیفری عوام‌گرایانه به مفاسد اقتصادی. *دایره المعارف علوم جنایی* (زیر نظر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی). کتاب دوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

گرچی فرد، حمیدرضا. (۱۳۹۲ ش.). *جرم‌شناسی سبز و جرائم زیست‌محیطی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست، دانشگاه شهید بهشتی.

لازرژ، کریستین. (۱۳۹۰ ش.). *درآمدی بر سیاست جنایی*. مترجم علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ دوم.

مقدسی، محمدباقر. فرجیها، محمد. (۱۳۹۰ ش.). رویکرد عوام‌گرایی کیفری به جرائم جنسی (مطالعه تطبیقی). *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*. دوره پانزدهم، شماره دوم.

مقدس، محمدباقر. فرجیها، محمد. (۱۳۹۲ ش.). ویژگی‌های سیاست‌های کیفری عوام‌گرا؛ مطالعه تطبیقی. *مطالعات حقوق تطبیقی*. دوره چهارم، شماره دوم.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۹ ش.). *تقریرات درس جرم‌شناسی (سیاست کیفری عملگرا - عوام‌گرا)*. تهیه و تنظیم زینب باقری‌نژاد.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین. سیدزاده ثانی، سیدمهدی. (۱۳۹۱ ش.). رژیم بین‌المللی هراس اخلاقی: نقش رسانه. *مجله تحقیقات حقوقی*. ویژه‌نامه شماره هشتم.

وایت، راب. هینز، فیونا. (۱۳۸۶ ش.). *جرم و جرم‌شناسی*. مترجم علی سلیمی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، کتاب دوم، چاپ سوم.

ب: منابع فرانسه

Giudicelli, D. (2006). Geneviève (Sous la direction). *Droit pénal des affaires en Europe*. Puf.

Jeandidier, W. (2000). *Droit pénal des affaires*. Dalloz, 4e édition.

Lalande, P. Lamalice, O. (2005). *La sévérité pénale à l'heure du populisme*. Sécurité publique.

Porret, M. (2012). Le populisme pénal contre l'Etat de droit. *Les Invités De Mediapart*.

Salas, D. (2005). *La volonté de punir. Essai sur le populisme pénal*. Hachette Littératures.

ج: انگلیسی

Carrabine, E. Cox, P. Lee, M. Plummer, K. South, N. (2009). *Criminology: A sociological introduction*. Second edition, Routledge Publication, London & New York.

Prrat, J. (2007). *Penal Populism*. London, Routledge.

White, Rob. (2008). *Crimes against nature: Environmental criminology and ecological justice*. 1st published, Wiliam Publishing, London.

یادداشت شناسه مؤلفان

امین جعفری: دکتری حقوق کیفری کسب و کار از دانشگاه پاریس و مدرس دانشگاه، تهران، ایران.

(نویسنده مسؤول)

پست الکترونیک: amin.jaffari@gmail.com

اصغر احمدی: کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

Populism in the Field of Environmental Penal Policy

*Amin Jafari
Asghar Ahmadi*

Abstract

The trend of industrial development in today's life has, unfortunately, led to irreversible environmental damages which are mainly caused by human beings. As such, a large number of legislators around the globe are trying to execute effective criminal policies to control and manage these damages. In spite of politicians' attempts in preventing ecological damages, their criminal policies are sometimes influenced by general population, which we called it "populism in criminal policy". Populist policies are normally emotional, incompetent, and unprofessional. They also have a great impact on inflation in criminal policies. Criminal populist policies are not designed to discover the root of crime. In fact, these policies try to reject the elitist policies in order to content public interest by decisive and rapid responses. Taking the above into account, this article aims to investigate the populist policies in criminal environmental policy in Europe and Iran in order to demonstrate that these policies are not always designed to follow the primary goals of penal policy.

امین جعفری، اصغر احمدی

Keywords

Criminal Policy, Criminal Policy Elitist, Populist Criminal Policy, Criminal Environmental Policy